

دوفصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش سیاست نظری»

شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵: ۶۵-۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۱۸

مدل چندلایه تحلیل انتخابات یازدهم ریاست جمهوری

سعید نریمان*

رضا عزیزی**

چکیده

انتخابات ریاست جمهوری در ایران همواره تحلیلگران و کارشناسان سیاسی را شگفت زده و غافلگیر کرده است. با بررسی‌های تحلیلی انجام شده درباره موضوع انتخابات ریاست جمهوری یازدهم در ایران، چه در سطح تحلیلگران داخلی و چه در سطح خارجی، آشکار شد که عمده این غافلگیری ناشی از تحلیل‌های تک‌عاملی و تک‌بعدی است و مدلی وجود ندارد که بتواند تمام لایه‌ها و ابعاد اثربخش در نتیجه انتخابات را بررسی کند. از این‌رو این مقاله در پی بررسی انتخابات یازدهم با استفاده از مدلی سه‌لایه‌ای است که درونی‌ترین لایه آن، سطح گفتمانی انتخابات، لایه میانی آن مبتنی بر نظریه محرومیت نسبی که سعی در ارائه تبیینی از شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه دارد و بیرونی‌ترین لایه آن، توصیفی از سطح میدانی انتخابات را بررسی می‌کند و عوامل فردی، سیاسی و اجتماعی مؤثر در نتیجه انتخابات را ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: انتخابات یازدهم، مدل چند لایه ای، گفتمان، اعتدال، محرومیت نسبی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه تربیت مدرس و پژوهشگر پژوهشکده سیاست‌گذاری

Saeednariman@gmail.com

و مطالعات راهبردی حکمت

** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگر پژوهشکده سیاست‌گذاری و مطالعات

Rezaazizi135@yahoo.com

راهبردی حکمت

مقدمه

هشت سال پس از ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، حسن روحانی با شعار اعتدال‌گرایی و وعده دولت تدبیر و امید، در شرایطی کمتر قابل پیش‌بینی، دولت یازدهم را تشکیل داد. در حالی که چند ماه مانده به انتخابات، کمتر کسی تصور ریاست‌جمهوری روحانی را داشت و نیز در کوران رقابت‌های انتخاباتی و چند روز مانده به رأی‌گیری، احتمال پیروزی روحانی آن هم در مرحله اول با تردیدهای جدی مواجه بود، سرانجام موج شکل‌گرفته حامی روحانی در روزهای واپسین، نتیجه انتخاباتی این دوره را به سود وی و حامیانش رقم زد. درک چیستی و چگونگی این واقعه نیازمند بررسی و پژوهش‌های عمیق به منظور ایجاد بستری برای پیش‌بینی، درک و فهم رفتار سیاسی مردم ایران در شرایط مشابه است.

این پژوهش مبتنی بر مدل سه‌لایه‌ای است که در بیرونی‌ترین لایه آن، نحوه سیاست‌ورزی و کارهای ستادی و میدانی نامزدها بررسی می‌شود (کانون بررسی با توجه به برجستگی حضور آقایان روحانی، قالیباف و جلیلی در این انتخابات، بر عملکرد این سه بوده است). در لایه میانی با استفاده از نظریه محرومیت نسبی، دو عامل اقتصادی و روان‌شناختی ناشی از تغییر ارزش‌ها و نظام فرهنگی را که منجر به مطالباتی در سطح ملی از جنس تغییر وضع موجود شد بررسی می‌شود. با توجه به اینکه هیچ پدیده اجتماعی - سیاسی، تک‌عاملی نیست و مؤلفه‌های گوناگونی در ترکیب با/کنار هم به وقوع پدیده کمک می‌کند، انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲ نیز از این نظر مستثنی نیست. اما نسبت وزن مؤلفه‌ها یکسان نیست و در این میان، عوامل اقتصادی و تغییرات فرهنگی/ارزشی در رخداد ۱۳۹۲، مهم‌ترین نقش را داشته است. در درونی‌ترین لایه به تحلیل گفتمانی فضای انتخاباتی پرداخته می‌شود و نزاع‌های موجود در سطح کشور را در قالب چهار گفتمان اصلاح‌طلبان، حامیان هاشمی، حامیان احمدی‌نژاد و اصول‌گرایان با روش تحلیل گفتمان واکاوی می‌شود.

با این توضیح، تحلیل‌های داخلی و خارجی از انتخابات ایران برای روشن‌تر شدن اهمیت ارائه مدل بررسی می‌شود.

الف) گونه‌شناسی تحلیل‌های داخلی

به طور کلی با مسامحه می‌توان زوایای تحلیلی انتخابات یازدهم را به پنج دسته ذیل تقسیم کرد: ۱- ساختار/ کارگزار ۲- رفتارشناسی سیاسی ۳- گفتمانی ۴- آسیب‌شناسی شکست جریان اصول‌گرایی و ۵- بازگشت به دوم خرداد.

۱- مدل ساختار/ کارگزار

عباس عبدی (۱۳۹۲ الف) با دادن اصالت به ساختار، کنشگر را ذیل آن تحلیل می‌کند. در این نگاه، پیروزی روحانی بدون لحاظ سه عنصر کلیدی معنادار، نزول شدید منابع درآمد نفتی، نامناسب شدن روابط خارجی و اوضاع خطرناک منطقه‌ای و بالاخره حدی از بازسازی نیروهای اصلاح‌طلب ممکن نیست. برعکس از نظر «پرویز امینی» (۱۳۹۲) با وجود مهم دانستن عوامل ساختاری از قبیل تحریم‌ها در روابط خارجی و نارضایتی‌های اقتصادی و مشکلات معیشتی، عامل سیاست‌ورزی کارگزار غالب است: «در انتخابات ۹۲، بیشتر با نبرد سیاست‌ورزی روبه‌رو بودیم تا نبرد گفتمانی و پیروزی آقای روحانی، پیروزی گفتمانی نبود بلکه پیروزی سیاست‌ورزانه بود. روحانی عمدتاً به دلیل توانایی‌های شخصی و تثبیت خودش به عنوان مخالف وضع موجود در ذهنیت اجتماعی و جریان حامی او، با سیاست‌ورزی و نیز نابلدی رقبای خود، انتخابات را برد» (ر.ک: امینی، ۱۳۹۲ الف).

«هادی خانیکی» (۱۳۹۲) در رهیافتی تلفیقی، نقش ساختار/ کارگزار را با هم و با لازم دانستن تفکیک سه سطح تحلیل خرد، میانه و کلان، نقش اول را به کنشگر سیاسی در سطح تحلیل خرد، تغییرات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران را در سطح تحلیل میانی (به واسطه تلنگر منزلتی به بخش فرودست جامعه، قرار گرفتن آنان در کنار و نه در برابر طبقه متوسط) و در سطح کلان هم این انتخابات را واکنشی به چگونگی کنترل تحول تاریخی جامعه ایران یعنی مسئله ناامنی بازمی‌گرداند.

۲- رفتارشناسی سیاسی

«علی ربیعی» (۱۳۹۲)، رفتار انتخاباتی مردم ایران را با ویژگی‌هایی مانند پیش‌بینی‌ناپذیری و انقلاب‌گونگی در غیاب سامان سیاسی، تحول ارزشی و ظهور «سامانه مبهم منجی‌خواه» و سوارشدن بر آن و تغییر موضوع تحول‌خواهی با تغییر نسلی را در بررسی انتخابات یازدهم برمی‌شمرد و عناصر اصلی آن را به ترتیب به سه دسته فرآیند تحول‌خواهی، لج ملی و گرایش به مظلوم واقع‌شدگان و بالاخره اتفاقات شب انتخابات تقسیم می‌کند.

«حمیدرضا جلائی‌پور» (۱۳۹۲الف) به پتانسیل جنبشی جامعه ایران و شکل‌گرفتن جنبشی فراگیر در روزهای منتهی به انتخابات و پدیدآمدن انتخاباتی برق‌آسا اشاره می‌کند و عوامل فعال‌کننده این پتانسیل را نگرانی مردم از آینده کشور، گسترش نارضایتی اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و سوء مدیریت و بی‌ثباتی نرخ ارز و کاهش درآمد دولت بر می‌شمرد. وی رأی مردم را دقیق، آگاهانه و ناشی از فردیت نهادینه‌شده و توده‌ای بودن جامعه ایران می‌داند که نتیجه آن، هوشیاری جمعی در رفتن به سمت رفتار جنبشی به جای رفتار شورشی در شرایط دشوار یاد شده بود.

«حسین سلیمی و نعمت‌الله فاضلی» (۱۳۹۲)، الگوی رأی‌دهی انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری را بیانگر روند تکامل جامعه ایرانی به سمت دموکراسی بومی، کلنگی‌نبودن و پیش‌بینی‌پذیری و بالاخره بازنمایی خواست تغییرات اصلاح‌طلبانه سیاسی و اجتماعی جامعه و عدم ترجیح تغییرات رادیکالی و انقلابی ارزیابی می‌کنند.

۳- تحلیل گفتمانی

«محمدجواد غلامرضا کاشی» (۱۳۹۲)، انتخابات ۹۲ را غیر گفتمانی می‌داند. زیرا مفاهیم و ساختار کلامی تبلیغات کاندیداها در این انتخابات از وجوه نمادین خالی و وجهی نشانه‌ای به خود گرفتند. پرویز امینی (۱۳۹۲ب) هم ناکامی اصول‌گرایان در این انتخابات را شکست سیاست‌ورزی و نه شکست گفتمانی تحلیل می‌کند. وی معتقد است که روحانی با وجود محدودیت‌های زیادی از جمله چهره‌ناشناخته اجتماعی و نداشتن پایگاه اجتماعی تثبیت‌شده و روبه‌رو بودن با چالش‌هایی چون پایین بودن آرا بنا بر

نظرسنجی‌ها، با سیاست‌ورزی حرفه‌ای و استراتژی تهاجم همه‌جانبه به وضع موجود، ضعف خود را پوشاند.

«محمد رضا تاجیک» (۱۳۹۲ الف)، کنش / واکنش جمعی مردم را تداعی‌کننده نوعی «جنبش حضور»، جشن تولد سوژه سیاسی پوپولار یا کنشگر خردورز، خواست «تغییر»، گزاره‌های گفتمانی امروزی معطوف به زندگی روزمره مردم (سیاست زیستگانی و پساسیاسی زیستگانی)، واکنش تمامی دگر تعریف‌شدگان (جریان اعتراض) در بازی با تنها کارت خود یعنی حضور ارزیابی می‌کند.

۴- آسیب‌شناسی شکست اصول‌گرایان

«عماد افروغ» (۱۳۹۲ الف) در بررسی رخداد مزبور به شکست اصول‌گرایان و نه گفتمان اصول‌گرایی اشاره می‌کند. وی معتقد است که در انتخابات ابتدا فضای سیاسی، طیفی و ناشی از واقعیت جامعه بود که به صورت دو به شش در آرایش کاندیداها خود را نشان داد و با کنار رفتن عارف، فضا قطبی شد و متقابلاً به دلیل عدم درایت سیاسی این ائتلاف در جبهه اصول‌گرایی رخ نداد. از سوی دیگر تفکر حاکم بر هشت سال ریاست‌جمهوری نهم و دهم و برخورد طیفی برخی اصول‌گرایان با آنکه از موافقت با دولت آغاز و به مخالفت با آن و در نهایت به هم‌نوایی با منتقدین انجامید، باعث ضربه‌ای دو مرحله‌ای به اصول‌گرایی، یکبار با سکوت و تطهیر سیاست‌های ناموجه دولت مستقر و یکبار هم با عدم ائتلاف و ایجاد انشقاق در جبهه اصول‌گرایی و سرانجام شکست آن شد.

«امیر محبین» (۱۳۹۲ الف)، تحلیل نادرست از چرخه حیات سیاسی اصلاح‌طلبان (تمرکز این جریان بر موتور محرکه مطالبات اجتماعی و نه سیاسی) و عدم شناخت ماهیت این مطالبات از سوی اصول‌گرایان، تحلیل واقعیت بر پایه داده‌های ذهنی، نبود سیستم‌های هشداردهنده مناسب در متن جامعه و غافلگیری در برابر تغییرات اجتماعی را علل شکست اصول‌گرایان برمی‌شمرد.

«حشمت‌الله فلاحت‌پیشه» (۱۳۹۲) درباره چرایی ناکامی نامزدهای اصول‌گرا به مؤلفه‌هایی مانند نگاه تمامیت‌گرا و حاکم شدن انگاره رقابت درون‌گفتمانی و غفلت از فعالیت کارگزاران و اصلاح‌طلبان از شهریورماه ۹۱، اوج گرفتن منیت‌ها در جناح

۳۴ / پژوهش سیاست نظری، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵

اصول‌گرا و عدم ائتلاف، موضع حمایتی نسبت به عملکرد دولت احمدی‌نژاد و مبدل شدن به حافظان وضع موجود و وارث همه ضعف‌های عملکردی دولت، فهم نادرست از خواست اجتماعی تغییر و ناتوانی در نمایندگی گفتمان تغییر اشاره می‌کند.

۵- تکرار تجربه دوم خرداد

«محمد قوچانی» (۱۳۹۲)، ۲۴ خرداد ۹۲ را بازگشت به دوم خرداد می‌داند. در این نگاه، پیروزی روحانی، نمادی از تداوم قدرت مدنی در ایران و در طول پیروزی خاتمی در سال ۱۳۷۶ و پیروزی احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ است، با این تفاوت که روند مدنی شدن، غنی‌تر و قوی‌تر می‌شود.

«عباس عبدی» (۱۳۹۲ ب)، انتخابات ریاست جمهوری یازدهم را شبیه به دوم خرداد ۱۳۷۶ می‌داند، با این تفاوت که در سال ۷۶، بخشی از آن اتفاقات ناشی از اشتباه محاسباتی حکومت بود، اما این بار برای اولین بار منتقدان به طور نسبی و از روی آگاهی به رسمیت شناخته می‌شوند.

محمد رضا تاجیک (۱۳۹۲ ب)، خرداد ۲۴ خرداد را با وجود پاره‌ای از ویژگی‌ها، شناسه‌ها، نشان و نشانه‌ای از جنبش دوم خرداد، در قالب جنبشی فراگیر از جنس اجتماعی - سیاسی قابل تعریف و تصویر نمی‌داند، بلکه نوعی واکنش جمعی در برابر افراطی‌گری و رادیکالیسم سیاسی و اجتماعی می‌بیند.

«حاتم قادری» (۱۳۹۲)، خرداد ۹۲ را فاقد مؤلفه‌های اساسی «دوم خرداد» ارزیابی و برای این انتخابات از تعبیر «خرداد خسته» (خستگی همه گروه‌های حاضر، از اصلاح‌طلبان گرفته تا اصول‌گرایان) استفاده می‌کند و رأی مردم را یک رأی مصلحت‌گرایانه، سلبی یا حتی ایدایی می‌داند.

ب) گونه‌شناسی تحلیل‌های خارجی

برآورد و ارزیابی کارشناسان و تحلیلگران خارجی از انتخابات یازدهم ریاست جمهوری همانند تحلیلگران داخلی، تک‌بعدی و تک‌عاملی است و گاهی همین تحلیل‌ها هم واقعیت روشنی ندارد:

«سوزان مالونی»، کارشناس مؤسسه بروکینگز، به مؤلفه‌هایی نظیر اتفاقات پیش از انتخابات، مهارت‌های فردی و شخصیتی روحانی و وقوع دو واقعه معامله هاشمی با اصلاح‌طلبان جهت ائتلاف و دیگری پذیرش نظام برای عبور از احمدی‌نژاد (ر.ک: Maloney: 2013a) و همچنین بن‌بست تعامل با غرب در جریان مسئله هسته‌ای و رضایت نظام سیاسی ایران به ریاست‌جمهوری روحانی برای رفع موانع تعامل، خروج از انزوا و بحران اقتصادی اشاره می‌کند (ر.ک: Maloney: 2013b).

از نظر «ابراهیم محسنی»، مطالبه مدیریت داخلی بهتر و بهبود وضعیت تحریم‌های بین‌المللی و رفع نگرانی‌های اقتصادی، در صدر اولویت‌های پاسخ‌دهندگان برای انتخاب رئیس‌جمهور جدید قرار داشت. در این نگاه، عوامل مؤثر در پیروزی روحانی، حمله ولایتی به شیوه مذاکره جلیلی، حملات بی‌نتیجه قالیباف علیه ولایتی و مهم‌تر از آن علیه روحانی، کناره‌گیری محمدرضا عارف، تنها نامزد اصلاح‌طلب به نفع روحانی سه روز قبل از انتخابات و نیز پشتیبانی خاتمی و رفسنجانی از روحانی، برجسته بود (ر.ک: Etebari: 2013).

«علی انصاری»، مدیر مطالعات ایران دانشگاه سنت اندروز، در مصاحبه‌ای مطالبات مردمی و ضرورت حفظ مشروعیت مردمی نظام پس از سال ۸۸ از یکسو و بازنمایی روحانی از فضای هشت سال دولت نهم و دهم و تأکید بر برداشتن فضای امنیتی و ایجاد فضای باز و اظهاراتی در ضرورت اجرای قانون اساسی و برجسته کردن بخش‌های مربوط به آزادی‌های فردی از سوی دیگر و به طور کلی دیدگاه‌های سیاسی مردم ایران در پیگیری یک دولت میانه‌رو و خستگی و ترس نخبگان ایران از تکرار اتفاقات سال ۱۳۸۸ را از علل پیروزی روحانی برمی‌شمرد (ر.ک: Ansari: 2013).

«علیرضا نادر»، کارشناس مؤسسه رند، انتخاب یازدهم را نتیجه فشارهای تحریمی آمریکا بر ایران با مؤلفه‌های بحران‌های اقتصادی، رکود شدید، افت چشمگیر میانگین سطح زندگی، آسیب‌پذیری ناشی از وابستگی بیش از حد به درآمدهای انرژی می‌داند. در این نگاه، تحریم‌های بین‌المللی در نتیجه پیشروی سریع ایران در برنامه هسته‌ای، انگاره جلوگیری از تکرار انتخابات ۱۳۸۸، ارتباط نزدیک با رفسنجانی و خاتمی، عدم همکاری نامزدهای اصول‌گرا با یکدیگر، واکنش مردم در برابر فشارهای خارجی و داخلی

۳۶ / پژوهش سیاست نظری، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵
از جمله تحریم‌ها و فرصت‌گزینه‌ی روحانی برای آینده‌ای بهتر از نظر آنان، از دیگر مؤلفه‌های مؤثر در انتخاب روحانی است (ر.ک: Nader: 2013).

«کریم سجادپور»، کارشناس بنیاد کارنگی، در مطلبی با عنوان «انتخابات ایران، تحکیم کنترل نظام»، انتخاب روحانی را نشان‌نارضایتی شدید مردم از وضع موجود و نه علاقه عمیق آنان به شخص وی و نیز خواست آیت‌الله خامنه‌ای در مجاز شمردن پیروزی وی به عنوان گزینه‌ی مطلوب در این شرایط به جهت ترمیم وجهه‌ی خویش ارزیابی می‌کند (ر.ک: Sadjadpour: 2013).

پس از بررسی تحلیل‌های صورت‌گرفته از انتخابات، در ادامه برای بررسی مدل سه‌لایه‌ای در قالب چارچوب نظری پژوهش پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

در سال‌های اخیر، برخی اندیشمندان علوم اجتماعی بر وجود لایه‌های مختلف واقعیت و «قشربندی» آن اذعان می‌کنند و روش‌شناسی خاصی را هم برای فهم و تفسیر آن ضروری می‌دانند (Voros, 2006: 3) و در زمینه چپستی این لایه‌های درهم تنیده شده، نظرات متفاوتی دارند. «جوزف وروس»، لایه‌های عمقی و طولی واقعیت را بدین شکل صورت‌بندی می‌کند:

- وقایع: حوادث گسسته و رویدادها
- روندها: الگوها، روندها
- نظام‌ها: علل اجتماعی، تحلیل سیاست‌گذاری، پیشران‌های یک نظام
- جهان‌بینی: در سطح اول، الگوهای ذهنی، گفتمان‌ها، چشم‌اندازها؛ در سطح دوم، استعاره‌ها، اسطوره‌ها، نمادها و تصاویر؛ در سطح سوم، بینش‌ها، انواع، ساختارها و اسلوب‌ها.
- مرحله‌ی تاریخی: در سطح اول، تغییر اجتماعی، نیروها و عوامل مرتبط با آن؛ در سطح دوم، عوامل و نیروهای تاریخی؛ در سطح سوم هم عوامل و نیروهای کلان تاریخی (همان).

بر پایه نظر «اسلاتر»، شناخت جهان خارج و عمل در آن، بدون شناخت جهان درونی مؤلفه‌هایی مانند هویت، زبان، فرهنگ، ارزش و هدف نمی‌تواند کامل و کافی باشد (Slaughter, 2006: 2)؛ زیرا انسان موجودی صاحب اندیشه و اختیار است و با فرض‌ها، اعتقادات و هویت فرهنگی خود به تعاملات اجتماعی دست می‌زند. به این ترتیب واقعیت‌های اجتماعی افزون بر نمود ظاهری، سازوکارهای علی زیربنایی و پیچیده‌تری دارند که در فرهنگ، ارزش‌ها و تاریخ جوامع ریشه دارد.

«سهیل عنایت‌الله»، نوعی روش‌شناسی با عنوان «تحلیل لایه‌بندی علت» را ابداع نموده است. این روش نه برای پیش‌بینی آینده‌ای خاص، بلکه برای ایجاد فضای گذار و خلق آینده‌های بدیل به کار می‌رود و ظرفیت‌های گذشته و حال برای خلق چنین آینده‌هایی را آشکار می‌سازد. ضمناً این روش در طراحی و غنابخشیدن به سناریوها می‌تواند نقش سازنده‌ای ایفا کند (Inayatullah, 1998: 815).

اسلاتر، تسلط بر لایه‌های مختلف تحلیل قشربندی نظریه عنایت‌الله را مستلزم مهارت در زمینه‌های انتقادی و تفسیری (دانش هرمنوتیک) می‌داند (همان). برای نمونه در ورای وقوع حادثه‌ای اجتماعی، علل تاریخی، گفتمان‌ها و پارادایم‌های معرفت‌شناختی قرار دارند و صرفاً با تحلیل تجربی، کمی و آماری آن واقعه نمی‌توان همه ابعاد آن را شناسایی کرد.

بررسی رخداد هر پدیده در نظر عنایت‌الله، مستلزم مطالعه چند سطح از واقعیت است: سطح اول، لیتانی است که روندها و مسائل کمی غیر مرتبط و گسسته از هم را در نظر دارد؛ در سطح دوم، علل اجتماعی از قبیل عوامل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بررسی می‌شود (مثلاً افزایش نرخ تورم و فقدان برنامه‌ریزی خانواده)؛ سطح سوم با ساختار و گفتمان/ جهان‌بینی که مشروعیت‌بخش آن ساختار است سروکار دارد (مانند رشد جمعیت، چشم‌اندازهای تمدنی در باب خانواده، فقدان قدرت زنان و...); سطح چهارم نیز با اسطوره‌ها و استعاره‌ها مرتبط است. مسائلی از قبیل ابعاد ناخودآگاه مسئله یا داستان‌های عمیق یا الگوهای جمعی (مثلاً نگرش غیر آماری به جمعیت، یا نگرستن به مردم به عنوان منابع خلاق و...). این مرحله بیشتر با تجربه حسی و درونی سروکار دارد، تا با تحلیل عقلی (Inayatullah, 1998: 816). در حین استفاده از این روش

باید مسئله بالا و پایین رفتن از این مراحل رعایت شود. از این رو به کارگیری مجموعه‌ای از روش‌های شناخت را ضروری می‌کند. به عبارت دیگر تحلیل یک موضوع به‌ویژه این چهار لایه و نسبت علی میان آنها باید رعایت شود.

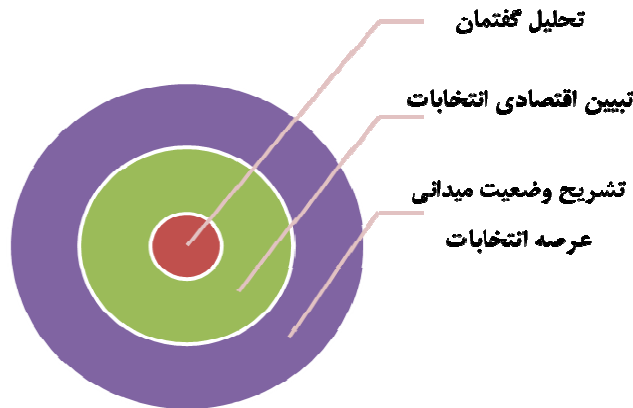
جوزف وروس، در مقاله «چشم‌انداز تحلیلی- اجتماعی تودرتوی»، چارچوب یکپارچگی سطوح تحلیل را ارائه می‌کند. از این نظر، یک نظام تفسیری منحصر به فرد، نارسایی‌های فراوانی دارد و می‌تواند به اشتباهات فراوانی در تحلیل سیاست‌گذاری منجر شود (Voros, 2006: 2). نظام‌های انسانی که برای تحلیل آینده و سیاست‌گذاری باید تفسیر شوند، همانند لایه‌های تودرتوی یک پیاز همدیگر را در برمی‌گیرند (همان). لایه‌های نظام‌های اجتماعی، تحلیل سه سطح دارند: نظامات فردی (روان‌شناسی، شرح حال نویسی، خرده‌تاریخ‌نگاری و...)، اجتماعی (جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، انسان‌شناسی، تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری اجتماعی کلان) و جهانی (روابط بین‌الملل، کلان تاریخ جهانی و...). سطح جهانی در برگیرنده نظام اجتماعی و سطح اجتماعی دربرگیرنده نظام فردی است که اجزای آنها به ترتیب خاص یادشده در مقاله وروس، یکدیگر را در برمی‌گیرند (همان: ۴-۵).

بنابراین در تحلیل و تبیین هر پدیده اجتماعی، کاربرد انواع روش‌ها و چشم‌اندازهای تحلیل، ضروری است، اما ایجاد آشفتگی می‌کند و مستلزم کاربری به شکل طولی و در رهیافتی واحد است. برای مثال برای تحلیل علل وقوع یک شورش اجتماعی باید از روش‌ها و چشم‌اندازهای تجربی، تفسیری و یا هر دو استفاده کرد. بر پایه این رهیافت‌های جدید، میان این دو چشم‌انداز، تعارضی وجود ندارد و باید آنها را دو سطح از یک چارچوب تحلیلی واحد دانست.

نویسندگان، حوادث اجتماعی دارای لایه‌های گوناگون را دارای سطوح نامتوازن و نامتقارن می‌دانند. علل وقوع حوادث اجتماعی در لایه‌های مختلف قرار گرفته و به فراخور سطح خود بر لایه دیگر تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال درباره علل نتایج انتخابات می‌توان به ضعف نامزدها در مناظره‌ها، مسائل و مشکلات اقتصادی و خستگی مردم از شعارهای گفتمان مسلط قبلی سخن گفت. اما جنس هر کدام از علل یادشده و ابعاد تأثیرگذاری آنها کاملاً متفاوت است و هر کدام از آنها در سطحی متفاوت از دیگری قرار

دارند و در تحلیل علت وقوع انتخابات نمی‌توان و نباید فهرستی از علل را ردیف کرد. در عین حال هر سه علت یادشده با یکدیگر ارتباط دارند. مثلاً مشکلات اقتصادی سبب موضع تهاجمی نامزدهای مخالف وضع موجود و دست برتر می‌شود. اما این تعیین‌کننده پیروز مناظره نیست، بلکه فرصتی در اختیار نامزدهای جریان مخالف قرار می‌دهد تا آنان به بهترین شکل از آن بهره‌برداری کنند. همچنین ابعاد زمانی علل نیز بر اساس جایی که در هر لایه دارند تفاوت می‌کند. مثلاً شعارها و راهبردهای تبلیغات انتخاباتی ممکن است ظرف چند ماه انتخاب و طی چند هفته، ذهن و قلب مخاطبان را برآید، در حالی که نارضایی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی در گستره میان‌مدت یا بلندمدت شکل می‌گیرد و حل آن نیز به سادگی و در فرصت اندک میسر نیست. اما این مشکلات بر سطوح کوتاه‌مدت، شعارهای انتخاباتی، محورهای مناظره‌ها و گرایش افکار عمومی تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش، سه سطح تأثیرگذار بر نتایج انتخابات بررسی می‌شود. درونی‌ترین لایه مربوط به گفتمان‌های موجود عرصه انتخابات و نحوه مناظره با آن است. در این لایه صرفاً به توصیف و چپستی این گفتمان‌ها پرداخته می‌شود. در سطح دوم، چرایی این رخداد از منظر علل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بررسی می‌شود. مفروض اصلی در این سطح، عامل اقتصادی و معیشتی به عنوان یکی از عوامل اصلی نتیجه انتخابات است که برای تبیین این پدیده از نظریه محرومیت نسبی استفاده می‌شود. سرانجام در بیرونی‌ترین لایه، نقش عوامل میدانی این عرصه بررسی می‌شود.

روشن است که توجه به تفاوت‌های هر سطح به روش‌شناسی متفاوتی برای بررسی هر کدام منجر می‌شود. در این پژوهش، از نظریه تحلیل گفتمان برای درونی‌ترین لایه، از روش و نظریه‌های تبیین اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مبتنی بر نظریه محرومیت نسبی برای لایه دوم و از روش‌های مطالعه اینترنتی و کتابخانه‌ای برای فهم اتفاقات میدانی در بیرونی‌ترین لایه استفاده می‌شود.



شکل ۱- مدل سه لایه‌ای تحلیل انتخابات

مدل سه لایه‌ای تحلیل انتخابات

بخش زیادی از فعالیت‌های انتخاباتی، ذیل روندها و فرایندهای سیاسی قابل تحلیل است که باعث تأثیرگذاری در فضای عمومی جامعه، بالا آمدن کاندیدای کم‌شانس و به زیر آمدن کاندیداهای مطرح شدند. بر پایه تأکید تحلیلگران، رخداد انتخابات یازدهم تحت تأثیر کیفیت سیاست‌ورزی طیف‌های رقیب بود و گروه توانا در به کارگیری هر چه بهتر هنر سیاست‌ورزی به پیروزی رسید. بیرونی‌ترین لایه مطالعه «سیاست» در رقابت انتخاباتی یازدهم، چهار سطح کلان را تحلیل و نتیجه نهایی رقابت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲ را تحت تأثیر اتفاقات رخ داده در سطوح فردی، تشکیلاتی و پویای انتخاباتی، فضای سیاسی و اجتماعی جامعه ایران بررسی می‌کند.

تبیین نقش عوامل اقتصادی در نتیجه انتخابات با استفاده از نظریه محرومیت نسبی که به تأثیر رشد طبقه متوسط، نقش شبکه‌های دانشجویی و روشن‌فکری در القای محرومیت، نقش هدفمندی یارانه‌ها در وضعیت کلی اقبال جامعه، افزایش نرخ تورم و کاهش تولید و مانند این در روی‌گردانی از وضعیت موجود و تمایل به تغییر می‌پردازد. در سطح سوم با استفاده از روش تحلیل گفتمان، گفتمان‌های موجود در سپهر سیاسی یک سال پیش از انتخابات یازدهم ایران با هدف رمزگشایی از آن توصیف می‌شود.

لایه اول تحلیل سطح میدانی انتخابات

برای مطالعه «سیاست» در رقابت انتخاباتی یازدهم، چهار سطح فردی، تشکیلاتی و پویش‌های انتخاباتی، فضای سیاسی و اجتماعی جامعه ایران تحلیل می‌شود.

الف) سطح فردی

برخورداری سیاستمداران حرفه‌ای از «ابزار تصمیم‌گیری» یعنی تصمیم بر اساس واقعیت ضمن در نظر گرفتن افق‌ها و آرمان‌ها (داشتن ظرفیت‌های تحلیلی و منطقی از واقعیت و امکانات جهت اتخاذ تصمیم‌های عقلایی)، برخورداری آنان از تیم‌های مشاوره حرفه‌ای (دایره‌نخبگان فکری و ابزاری) برای ترسیم چشم‌انداز و مسیر حرکت و مدیریت و طراحی کوچک‌ترین اظهارنظرهای سیاستمداران و آشنایی آنان با پیچیدگی‌های عالم سیاست در گذر زمان و توانایی با اتخاذ بهترین تصمیمات آنی و یا واکنش‌های لحظه‌ای در برهه و لحظه‌های حیاتی، نقش مهارت فردی سیاستمدار را مشخص می‌کند (سریع‌القلم، ۱۳۹۲: ۴۴).

با این توضیح و با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای گوناگون و متفاوت اما متوازن برای هر یک از سه کاندیدای اصلی (روحانی، قالیباف و جلیلی)، می‌توان به کیفیت عملکرد کاندیدها در سطح فردی از قبیل قابلیت‌ها و اشتباهات فردی آنان پرداخت که این ویژگی‌ها در قالب مؤلفه‌های متعدد از کیفیت سیاست‌ورزی تا نوع رفتار و ادبیات نامزدها تحلیل می‌شود.

«سیاست‌ورزی حرفه‌ای» از اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده سرنوشت انتخابات است. تجربه تاریخی انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ و ۱۳۸۸ و مهارت سیاست‌ورزی سید محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد و نابدی و ناتوانی سیاسی رقبایشان بیانگر این موضوع است. در انتخابات یازدهم هم چنین اتفاقی افتاد (ر.ک: امینی، ۱۳۹۲: پ).

حسن روحانی با آگاهی از پایگاه اجتماعی حداقلی و جایگاه خود در میان اصول‌گرایان با وجود هویت جناح راستی، چگونه توانست با تأکید بر میانه‌رو و اعتدالی بودن، اقبال اصلاح‌طلبان را از سمت عارف متوجه خود کند؟ وی با وجود بی‌اعتنایی اصلاح‌طلبان تا آخرین روزهای نزدیک به رأی‌گیری (ر.ک: عارف، ۱۳۹۲) و ارزیابی از وی به

عنوان کاندیدایی برای شکست خوردن (ر.ک: زیباکلام، ۱۳۹۲الف) با رعایت ظرافت‌های لازم، تدابیر درست و ملاحظه‌جندی برای انجام کمترین اشتباه ممکن (ر.ک: عارف، ۱۳۹۲)، گرفتن «ژست منتقد وضع موجود» در همه حوزه‌ها مثلاً تعریض به زندانی‌ها و حصرهای سیاسی، میلی و نه ملی خواندن صدا و سیما (ر.ک: زیباکلام، ۱۳۹۲ب) و در شرایط «نابلدی سیاسی» رقبای وی و عدم بهره‌گیری از اشتباهاتش (ر.ک: امینی، ۱۳۹۲پ) توانست خود را به اصلاح‌طلبان تحمیل و با فن بیان (ر.ک: عبدی، ۱۳۹۲پ)، توجه بخش‌های مختلف مردم را متوجه خود سازد.

محمدباقر قالیباف، شهردار تهران با وجود شانس بیشتر برای پیروزی، با بروز ناپختگی سیاسی و اقدامات غلط از قبیل دفاع از تکنوکراسی، حمله بی‌موقع به هاشمی رفسنجانی و هجوم نابهنگام و بی‌دلیل به روحانی در مناظره سیاسی (ر.ک: بی‌بی‌سی، ۱۳۹۲) و پیشتر از آن مهم‌ترین خطای راهبردی انتخاباتی وی یعنی پیوستن به ائتلاف ۱+۲، روز به روز جایگاه خود را در نظرسنجی‌ها تضعیف کرد (ر.ک: امینی، ۱۳۹۲پ).

سعید جلیلی به دلیل نگاه آرمانی صرف، کم‌توجهی به برخی ظرایف سیاسی و انتخاباتی (محبیان، ۱۳۹۲ب)، در پیش گرفتن «غیر انتخاباتی‌ترین» و «غیر سیاسی‌ترین» مشی ممکن در ایام رقابت، تداعی بخش حفظ وضع موجود یعنی همسویی با گفتمان احمدی‌نژاد و تأکید بر عدالت‌ساختاری، استفاده از واژگان‌های پیچیده و مغلقی چون آمایش، پورتال ارزی، تجمیع، سامانه و مانند آن، استفاده مکرر از برخی واژگان مانند «ظرفیت» ۵۲ بار و «سازوکار» ۹ بار، مصداق بارز سیاست‌ورزی غلط بود (ر.ک: امینی، ۱۳۹۲پ).

علی‌رغم شیوه مبهم و نامشخصی مؤلفه‌های مهم مناظرات تلویزیونی ناشی از نابالغی جامعه، حداقل دو مناظره توانست تأیید زیادی در نتیجه انتخابات داشته باشد: اولی مناظره موسوی - احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ که نقطه عطف آن بود و روند اقبال کاندیداها را دستخوش تغییر و تحول ساخت، به طوری که شیب نزولی اقبال به احمدی‌نژاد را نه تنها متوقف، بلکه شکلی صعودی هم به آن بخشید (مرندی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۱). دومی مناظره سوم انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بود که تکلیف انتخابات را مشخص کرد. روحانی با استفاده از ظرفیت فردی نظیر فن خطابه، تنظیم

راهبرد «منجی و قادرترین فرد برای حل مشکلات» (ر.ک: عبدالهی، ۱۳۹۲) نفی وضع موجود و شعار تغییرخواهی (ر.ک: امینی، ۱۳۹۲پ)، کاراکتر اخلاقی و مظلوم‌نمایی در مناظره، پیاده‌سازی راهبرد فردی سلب اعتماد از رقیب در سطوح عملکرد و نتایج عمل (ر.ک: محسنی، ۱۳۹۲)، توانست موقعیت برتری را در مناظره‌ها به دست آورد.

ب) سطح پویش‌های انتخاباتی و تشکیلاتی

پویش‌ها و ستاد مرکزی انتخاباتی هر کاندیدا، نقش اتاق فرمان او را بازی می‌کند و دارای چهار مؤلفه اساسی پیام روشن، گروه هدف مشخص، برنامه مکتوب معین و نحوه عملیاتی کردن برنامه انتخاباتی است (اودی، ۱۳۸۸: ۱۰). این پویش‌های انتخاباتی با خط‌مشی‌های متفاوت و با سطوح متفاوت تأثیرگذاری در انتخابات یازدهم، پای به صحنه گذاشتند و به نظر می‌رسد به اشکال گوناگونی بر نتیجه انتخابات تأثیرگذار شدند. پویش انتخاباتی حسن روحانی: اعضای اصلی ستاد وی چند ماه پیش از برگزاری انتخابات مشخص شد و به تدریج با افزوده شدن پویشگران انتخاباتی حرفه‌ای حامی هاشمی و چهره‌های توانمند بسیج نیروی شاخه حزب مشارکت به انسجام رسید. حضور طولانی‌مدت روحانی در رأس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام و سهولت طراحی برنامه انتخاباتی، استفاده از نماد انتخاباتی «رنگ بنفش» و «کلید» و طرح شعار «دولت تدبیر و امید»، از دیگر فعالیت‌های پویشگران این کاندیدا بود.

پویش انتخاباتی محمدباقر قالیباف: شهردار تهران با وجود حفظ توان تشکیلاتی خود از سال ۱۳۸۴ با عنوان جبهه پیشرفت و عدالت در سراسر کشور و علی‌رغم انتخاب شعار انتخاباتی «ایران سربلند» و پیام «تغییر، زندگی، مردم» و بیشترین سفرهای استانی (ر.ک: گلزاری، ۱۳۹۲)، به علت ناتوانی در انتقال پیام تغییر نابسامانی‌های موجود به توده‌ها و با پیوستن به ائتلاف سه‌گانه اصول‌گرایان که خود تداعی‌کننده تداوم وضع موجود بود، باعث تضعیف گفتمان انتقادی و فرسایش توان ستادی‌اش شد (ر.ک: افروغ، ۱۳۹۲ب).

پویش انتخاباتی سعید جلیلی: جلیلی با از دست دادن فرصت تشکیلات پویش‌گرانه و رسانه‌ای قوی و منسجم به واسطه حضور یکباره در صحنه انتخابات و سابقه سیاسی و تشکیلاتی اندک، خودداری از دادن هرگونه وعده انتخاباتی، وجود مشاوران رسانه‌ای و

۴۴ / پژوهش سیاست نظری، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵
فیلم‌سازان ناپخته و غیر حرفه‌ای، دامن‌زدن به دوگانه «مقاومت - سازش» و انتخاب شعار «مقاومت رمز پیشرفت»، «ما تا آخر ایستاده‌ایم» و «ائتلاف مردم+۱» عملاً به پویش دفاع از حفظ وضع موجود بدل شد (ر.ک: امینی، ۱۳۹۲، پ).

ج) سطح فضای سیاسی کشور

با وجود گمانه‌زنی‌های انتخاباتی چند ماه پیش از انتخابات در دو اردوگاه سیاسی رقیب و عمده کشور یعنی اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان، تردیدهایی وجود داشت؛ به طوری که برخی از اصول‌گرایان رقابت را درون‌گفتمانی و کار رقیب را یکسره می‌پنداشتند و برخی دیگر از ضرورت پیگیری اجماع به خاطر فعالیت پشت صحنه رقیب سخن می‌راندند. از سوی دیگر بی‌تصمیمی اصلاح‌طلبان هم نسبت به شرکت یا عدم شرکت در انتخابات مؤثر بود.

اصول‌گرایان: سیاست‌گذاری اشتباه، نابلدی سیاسی و عدم ائتلاف در اردوگاه اصول‌گرایان از یک طرف و سیر صعودی آرای روحانی در نتیجه ائتلاف و موجی شدن انتخابات در طرف دیگر بر آرای وی افزود (همان). علی‌رغم اهمیت ائتلاف اصول‌گرایان، افزایش تناقض‌ها و اختلافات اعضای ائتلاف سه‌گانه و سایر اصول‌گرایان درباره ائتلاف و شرایط آن و با وجود تأکید قالیباف بر «مکتبی» و «عقیدتی» بودن ائتلاف و شک در دین‌داری مؤتلفان در صورت اختلاف در آن اشتباهی استراتژیک بود و بالاخره تلاش اردوگاه اصول‌گرایی در راستای شکست و نه پیروزی نامزدهایشان کارگر افتاد (افروغ، ۱۳۹۲، ب). از سوی دیگر جبهه پایداری از همان آغاز همراه با فلسفه موجودیت خود با تلاش برای خالص‌سازی نیروهای انقلاب، فضای سیاست‌ورزی را عملاً نپذیرفتنی و در نتیجه شکاف موجود منازعات درون‌گفتمانی بیشتر شد (ر.ک: هدایتخواه، ۱۳۹۲).

اصلاح‌طلبان: با نگاهی به انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۴، ۱۳۸۸ و مجلس و شوراها در دهه ۱۳۸۰ و تلقی عدم اجماع از سوی این جریان به عنوان عامل شکست و کسب تجربه و عبرت از آن و توجه به اقتضائات زمانه در سطوح گوناگون، حتی معتقدین به تحریم انتخابات، وادار به چشم‌پوشی موقتی تمامی خواسته‌های گروهی و حزبی خود

شدند؛ به طوری که برای نیل به پیروزی حداقلی، شخصیت کلیدی این جریان، سید محمد خاتمی با حمایت از روحانی، عارف را وادار به کناره‌گیری کرد (ر.ک: عبدی، ۱۳۹۲ ت).

د) سطح فضای اجتماعی کشور

در سطح فضای اجتماعی می‌توان به مؤلفه‌هایی از قبیل جنبشی‌شدن انتخابات، دغدغه‌ها و مطالبات طبقه متوسط و نیز نارضایتی توده‌ها از وضع موجود و اصول‌گرایان به عنوان مقصران آن و موجی‌شدن انتخابات اشاره کرد.

پدیده موجی‌شدن انتخابات، مؤلفه دیگری از موضوع فضای اجتماعی کشور است که به فعل و انفعالات هفته آخر انتخابات و اقبال ناگهانی جامعه ایران به یک چهره خاص اشاره دارد؛ به طوری که مشاهده رفتار انتخاباتی ایرانیان در سه انتخابات ریاست جمهوری ۷۶، ۸۴ و ۹۲ بیانگر تعیین سرنوشت انتخابات در روزهای آخر برخلاف پیش‌بینی‌ها و نظرسنجی‌های اولیه است (ر.ک: کاظمی، ۱۳۹۲).

مطالعه رفتار رأی‌دهی ایرانیان پس از سه دهه از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که به موازات افزایش آگاهی‌ها، انتخاب مردم از قالب غیر منطقی و سطحی خارج شده و ترکیب آراء، مبنا و نظمی قابل بررسی دارد. با مطالعه متغیرهای تأثیرگذار بر آراء و با بررسی تعداد آرای ریخته‌شده به صندوق‌ها، می‌توان کلیه واجدین شرایط رأی‌دادن را به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول، مشارکتی چهل درصدی با الگوی رأی سیاسی آگاهانه و گفتمانی؛ دسته دوم، عدم مشارکت بیست درصدی و دسته سوم، مشارکت چهل درصدی سیال و شناور با الگوی رأی‌دهی غیر گفتمانی (اقتضانات زمان برگزاری انتخابات، توانایی کاندیداها در جذب و بسیج این دسته و احساس تأثیر حضور) را به نمایش گذاشته‌اند. در واقع بخشی از ویژگی «پیش‌بینی‌ناپذیری» رفتار سیاسی ایرانیان ناشی از نقش آفرینی همین آرای رأی‌دهندگان غیر گفتمانی است (ر.ک: حجاریان، ۱۳۹۰).

مشکلات عمده رخدادی عمدتاً در حوزه معیشتی، نابسامانی‌های اقتصادی سال‌های منتهی به انتخابات یازدهم و فشار وارده قابل توجه آن بر توده‌ها و تلقی سوء مدیریت دولت به عنوان علل مشکلات و عدم تفکیک احمدی‌نژاد از اصول‌گرایان از یکسو و شناسایی سایر نامزدهای اصول‌گرا از سوی افکار عمومی به عنوان بخشی از رقم‌زنندگان

۴۶ / پژوهش سیاست نظری، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵
وضع موجود (ر.ک: محبیان، ۱۳۹۲ب) از سوی دیگر باعث شد تا آنان رأی خود را متوجه رقیب اصول‌گرایان کنند.

بسیاری از تحلیلگران، حضور سعید جلیلی را باعث تشمت در بدنه اجتماعی اصول‌گرایان و موجب شکست آنان در نظر می‌گیرند. در این نگاه، حضور وی در عرصه، پاس گلی به حسن روحانی بود و کناره‌گیری وی می‌توانست به سبب رأی اصول‌گرایان بیفزاید (ر.ک: الله کرم، ۱۳۹۲). راهبرد انتخاباتی سعید جلیلی با دامن‌زدن به دوقطبی مقاومت-سازش، نه تنها قالیباف را در عرصه رقابت خلع سلاح کرد، بلکه بر تقویت پیروزی روحانی افزود. سوئیچ سوم ماجرا، بازی جلیلی در پازل طراحی‌شده اصلاح‌طلبان بود، زیرا ترجمان آرمان‌گرایی جلیلی برای افکار عمومی، تداوم وضع موجود و تقابلی‌تر شدن روابط ایران و غرب بود (ر.ک: محبیان، ۱۳۹۲د) که نتیجه نظرسنجی‌ها نیز مؤید آن است (ر.ک: Etebari, 2013).

جمع‌بندی لایه اول تحلیل

صحنه انتخابات ریاست‌جمهوری، عرصه رقابت هنر سیاست‌ورزی کاندیداهاست. در جامعه‌ای که هسته‌های تثبیت‌شده‌ای برای جهت‌دهی آرا ندارد و احزاب و سازمان‌های سیاسی برای انسجام‌بخشی و بسیج افکار عمومی وجود ندارد، انتخابات ماهیتی گلابیاتوری پیدا می‌کند و هنر فردی کاندیدها و گروه‌های حامی آنان در ایام رقابت‌های انتخاباتی و در واپسین روزها، سرنوشت انتخابات را رقم می‌زند (ر.ک: حجاریان، ۱۳۹۰). با شکل‌گیری امواج انتخاباتی مانند انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم، روحانی از پایین‌ترین جایگاه به رده نخست ارتقا یافت. البته این موضوع به معنی پیش‌بینی‌ناپذیری رفتار انتخاباتی مردم ایران نیست، بلکه این رفتار از نظمی برخوردار است که در سایه تحلیل‌های چندلایه‌ای امکان‌پذیر است.

لایه دوم: تبیین علی و روندهای انتخابات با نظریه محرومیت نسبی

تئوری محرومیت نسبی در کنار دلائل سیاسی به تبیین برخی علل اقتصادی و روان‌شناختی الگوی رأی‌دهی در انتخابات اشاره می‌کند. در انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری ایران نیز افزون بر حمایت گروه‌های مرجع اصلاح‌طلبان از حسن روحانی،

اتلاف نانوشته و گره خوردن نارضایتی‌های اقتصادی توده‌های جامعه (غیرگفتمانی‌ها) با نارضایتی‌های سیاسی طبقه متوسط از جمله علل نتیجه انتخابات بود.

نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر^۱ و جیمز دیویس^۲ با نقطه عزیمت شکل‌گیری جنبش‌ها و نارضایتی‌های اجتماعی در شرایط رفاه اقتصادی و ایجاد شکاف میان آنچه «هست» و «باید باشد» صورت‌بندی می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۱). بر پایه منحنی ز دیویس، شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی نتیجه پیشروی انتظارات و واقعیات پایه‌پای هم تا دوران رکود اقتصادی است و در شرایطی که واقعیات در سطح قبلی متوقف و انتظارات کماکان روند صعودی خود را دنبال می‌کند، بخش انتظارات غیر قابل تحمل نمودار منحنی ز مشاهده می‌شود (همان). تد رابرت گر، نارضایتی را عمدتاً حاصل شکاف تصویری غیر قابل تحمل میان «آنچه فرد دارد» و آنچه «احساس می‌کند مستحق آن و مایل به داشتن آن است» می‌داند. در این نظریه، نارضایتی‌ها و محرومیت نسبی منجر به سرخوردگی می‌شود که به دو شکل مدنی- نهادین (در قالب اعتصاب آرام و یا رأی‌دهی به جریان مخالف و یا به عکس) و طبیعی- واکنشی (رفتارهای استیصالی و پرخاشگرانه مانند اعتصاب، شورش و حتی انقلاب ناشی از انباشت ناکامی و فقدان مفرهای مدنی) بروز می‌کند (شعبانی، ۱۳۹۱: ۹).

فراتر از رویکرد محض اقتصادی دیویس، نظریه روان‌شناختی تد رابرت گر با عنوان «سرخوردگی- پرخاشگری و رفتارهای نامتعارف» است که انتظارات روزافزون انسان‌ها در بروز ناخرسندی حتی در وضعیت فقدان محرومیت واقعی را عامل بزرگ رفتارهای غیر متعارف و سرخوردگی می‌داند که بیشتر مساوی با افزایش شدت کیفیت و کمیت عکس‌العمل علیه منابع سرخوردگی است (رابرت گر، ۱۳۷۸: ۴۹). در این نظریه، برای ایجاد حس محرومیت نسبی در جامعه، دو شرط لازم و کافی زیر باید وجود داشته باشد:

الف) ادراک نابرابری: وجود نابرابری واقعی و عینی در جامعه برای پیدایش احساس محرومیت نسبی در جامعه اهمیت کمتری دارد تا ادراک ذهنی و ارزیابی ذهنی نابرابری. زیرا تا وقتی مردم از نابرابری خبر ندارند از آن ناراحت نمی‌شوند. ادراک نابرابری بیش از

1. James Davis

2. Ted Robert Gurr

هر چیز تابع دو عامل است: اول قدرت و توانایی درک (تقویت با مکانیسم‌های آموزشی و آگاهی‌بخش مانند مدرسه، مسافرت، مذهب و وسایل ارتباط جمعی) که به تنهایی برای درک نابرابری، ناکافی است و دوم امکان ادراک، مشاهده و کسب اطلاعات (تقویت با ایجاد شرایطی مانند افزایش تماس انسان‌های فقیر با انسان‌های ثروتمند و دیدن خانه‌ها و ویلا و ماشین‌های مدرن).

ب) ارزیابی نابرابری: احساس محرومیت نسبی وقتی به وجود می‌آید که انسان خود را با دیگران، با وضعیتی که به او نزدیک است مقایسه می‌کند (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۸۳). در این میان وجود متغیر واسطه‌ای و رابطه‌ای تغییر اخلاق عمومی از پذیرش وضعیت موجود اقتصادی به ضرورت تغییر وضع موجود برای نیل به وضعیت مطلوب (بااهمیت شدن ثروت و اقتصاد و رفاه در جامعه) تسهیل‌بخش این روند است. برخی از مصادیق ادراک و ارزیابی نابرابری در دوران هشت‌ساله ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد و عوامل تقویت‌کننده آن بررسی شده است.

فرضیه اصلی این بررسی مبتنی بر گزاره‌های زیر است: برخی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های کلان دولت از جمله اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و نیز پدیده‌ها و رخدادهایی همچون وقایع پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸، افشای پرونده‌های مفاسد اقتصادی همچون اختلاس سه‌هزار میلیارد تومانی و نیز فضا سازی سیاسی و رسانه‌ای گسترده شکل گرفته علیه دولت دهم هم قدرت ادراک مردم و هم امکانات مشاهده و ادراک نابرابری را افزایش داده بود.

با استناد به آمار و اسناد موجود، تغییر روحیه و باور عمومی و ایجاد انگاره ناعادل بودن توزیع ثروت و رفاه در افکار آنان، نقش متغیر واسطه‌ای را بازی کرد. مثلاً تبدیل اقتصاد و پول به ارزش اجتماعی، عامل مهمی در تسهیل احساس محرومیت است (سیف‌زاده و گلپایگانی، ۱۳۸۸: ۲۵۳). نتایج تحقیقات میدانی و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که طبقه متوسط شهری، گسستی جدی از «ارزش»ها داشته است. این مسئله تأثیر متغیر عوامل اقتصادی بر ظهور متغیر وابسته محرومیت نسبی را بسیار تسهیل می‌کند، به طوری که حتی بهبود و رونق اقتصادی هم منجر به رضایت اجتماعی نمی‌شود. در این وضعیت، اشرافیت و تجمل‌گرایی اصالت می‌یابد و تلاش برای نیل به آن بر موج

نارضایتی می‌افزاید. در واقع تمامی نظرسنجی‌ها به غیر از آمار مرکز آمار ایران در اواخر دولت احمدی‌نژاد، نشانه روند رو به کاهش نابرابری از سال ۱۳۸۴ به بعد است. محاسبه یارانه‌های دریافتی توسط بانک مرکزی و تغییر ضریب جینی به واسطه آن، مطلب یادشده را تأیید می‌کند^(۱).

با این وصف، نابرابری در ایران بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ شرط لازم است و آزمون فرضیه پژوهش با پیروی از نظریه تد رابرت گر نیازمند بررسی وجود و یا نبود شرط کافی و شرط محیطی ادراک نابرابری برای بروز احساس نارضایتی نیز است که با سازوکارهایی از قبیل افزایش آموزش‌های مدرن جامعه تقویت می‌شود. مثلاً با وجود پرداخت یارانه نقدی پس از اجرای هدفمندی‌سازی یارانه‌ها در دوران دولت احمدی‌نژاد، کشور با وضعیت رکود تورمی، «کسری بودجه خانوار» و کوچک‌شدن سفره خانوارها و در نتیجه توزیع نابرابر درآمد سرانه مواجه شد. این عدم تعادل بین نسبت هزینه و درآمد هر خانوار ایرانی در گزارشی با عنوان «بررسی بودجه خانوار ۱۳۹۰» (گزارش اداره آمار بانک مرکزی: ۱۳۹۱) بررسی شده است. بدین معنا که شرط لازم تحقق یافت. اما توزیع نابرابر درآمد سرانه تا زمانی که به عرصه ادراک درنیاید، عامل سرخوردگی و محرومیت در جامعه نخواهد بود. اگر این نابرابری در نتیجه گسترش آگاهی و ارتباط عمومی به عرصه ادراک درآید، در آن صورت به عامل پرخاشگری و رفتارهای مقابله‌جویانه تبدیل خواهد شد. با وجود روند افزایشی درآمد سرانه و همچنین افزایش مصرف، شکاف درآمدی قابل ملاحظه میان دهک‌های بالا و پایین و سهم نابرابر این دهک‌ها از درآمد سرانه را نشان می‌دهد.

در این میان مؤلفه‌های دیگری باعث دامن‌زدن به این موضوع می‌شود: جولان لوکس‌گرایی، اشرافی‌گری افراطی و تشدید جلوه‌های بصری نابرابری، اعتبارزدایی از وضع موجود در سایه افشاگری فسادهای چند هزار میلیاردی، فضا سازی سیاسی و رسانه‌ای، ترویج ارزش‌ها و سبک زندگی مدرن و غربی، وقایع سال ۸۸، تغییر جایگاه گروه‌های مرجع در نتیجه تحولات کم‌سابقه در دنیای ارتباطات، تقاضا برای گروه‌های مرجع و الگوهای جدید زندگی، ظاهراً چرخش گونه‌ای از مرجعیت روحانیت به اقشار دیگری نظیر استادان دانشگاه، ورزشکاران، هنرپیشه‌ها و مانند این و نقش قابل توجه

این گروه‌ها در القای نابرابری و سیاه‌نمایی وضع موجود و روند شکل‌بخشی محرومیت نسبی در میان اقشار مختلف بسیار تأثیرگذار بوده‌اند.

از دیگر مؤلفه‌های ادراک نابرابری و محرومیت، افزایش سطح سواد و انتظارات است. یکی از مهم‌ترین عناصر درک نابرابری در سطح جامعه، توسعه آموزش است که باعث گسترش آگاهی‌های عمومی و بالارفتن زمینه ادراک نابرابری و به تدریج افزایش سطح توقعات می‌شود. در این میان افزایش بیست برابری تعداد دانشجویان نسبت به ۱۳۵۷ و افزایش اعضای هیئت علمی که ایران را جز ده کشور اول دنیا قرار داد (گزارش ملی آموزش عالی ایران، ۱۳۹۴) و ارتباط منطقی نداشتن میان پذیرفته‌شدگان رشته‌های مختلف با میزان نیاز جامعه، باعث توقع منزلت اجتماعی خاص در شرایط کمبود بازار کار و در پی آن شکاف گسترده میان انتظارات افزایش یافته می‌شود و نتیجه آن احساس سرخوردگی، محرومیت و ناامیدی است. ناامیدی، بستری برای بروز اعتراض و ناخشنودی نسبت به روندهای موجود شد. افزون بر این، فضای روانی دلسرد و منفی دانشگاه‌ها ناشی از فتنه ۸۸ و عدم تلاش جدی برای اقماع تردیدهای شکل‌گرفته به خودی خود القای محرومیت می‌کرد.

در واقع موج فارغ‌التحصیلان مقاطع مختلف دانشگاهی آماده ورود به بازار کار، اقتصاد آسیب‌دیده کشور و کمبود بازار کار باعث ایجاد فاصله میان انتظارات حداقلی امتیازات اجتماعی (مسکن، امرار معاش و تشکیل خانواده) با واقعیت بیکاری و ناتوانی از امرار معاش و احساس محرومیت نسبی می‌شود.

یافته‌های نظری و جمع‌بندی لایه دوم تحلیل

تأثیر انتظارات اقتصادی در رأی‌دهی در انتخابات با مراجعه به آمار و ارقام و نظرسنجی‌های انجام‌شده در سال‌های ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد نشان از محرومیت نسبی و مهم‌ترین مؤلفه سوق‌دهنده رأی مردم ایران به سمت اصلی‌ترین گرایش تغییر وضع موجود بود (ر.ک: گزارش راهبردی، ۱۳۹۱). افزون بر آن طبق تئوری روان‌شناختی، بروز احساس محرومیت نسبی نتیجه امکان و توانایی ادراک نابرابری ناشی از افزایش مؤلفه‌های گوناگونی مانند سطوح مختلف آموزشی است. موج فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و کمیابی در شغل مورد انتظار، این ادراک را افزایش داد و از طرفی فاصله

یافتن هزینه و درآمد و نیز سبقت گرفتن تورم از افزایش دستمزد سالیانه که باعث وارد آمدن فشارها و آسیب‌های زیاد به طبقه متوسط و پایین جامعه شد، آن را تقویت کرد. در فضای بروز فسادهای اختلاسی، مدیریت ضعیف داخلی، فضا سازی رسانه‌های خارجی و بیگانه هم این روند را تشدید می‌کرد. در واقع تمام مؤلفه‌های یاد شده به مراتب در سطوح متفاوت، زمینه و بستر شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی در میان بخش زیادی از جامعه ایرانی را فراهم کرده که این احساس محرومیت نسبی منجر به موج تغییر خواهی از وضعیت موجود شده و حسن روحانی با استفاده از مزیت خود در لایه اول تحلیل توانست منادی این تغییر، لقب گیرد.

لایه سوم: تحلیل گفتمانی انتخابات

با توجه به اینکه در ایران تشکل‌های حزبی و جریانات سیاسی مستمر و پایدار وجود ندارد، به همین دلیل معمولاً گفتمان‌ها سریع شکل می‌گیرند و سریع‌تر رو به زوال می‌نهند و معمولاً این ظهور و افول گفتمان‌ها در آستانه انتخابات شکل وسیع‌تری به خود می‌گیرند. از این رو برای توصیف مطلوب فضای انتخابات، گفتمان‌های موجود در فضای رقابتی انتخاب لازم و ضروری است. گفتمان‌های مهمی که در این انتخابات فعال بودند عبارتند از:

۱. گفتمان اصول‌گرایی که در این انتخابات نتوانست خود را تثبیت کند و به خرده‌گفتمان‌های زیر تبدیل شد: الف) گفتمان ائتلاف و پیشرفت با محوریت ائتلاف ۱+۲ ب) گفتمان مقاومت و پایداری با محوریت جلیلی

۲. گفتمان حامیان احمدی‌نژاد

۳. گفتمان حامیان هاشمی

۴. گفتمان اصلاح‌طلبان

برای تبیین و توصیف مناسب هر گفتمان باید دال مرکزی و مؤلفه‌های اساسی آن گفتمان را شناسایی کرد. برای توصیف دقیق و شناخت مناسب هر گفتمان بر پایه تحلیل گفتمان انتقادی، چند سؤال بنیادین طراحی شده است که با پاسخ به آنها شناخت این گفتمان‌ها میسر می‌شود.

الف) تحلیل گفتمان اصول‌گرایان

دال مرکزی و نحوه مفصل‌بندی آن: دال مرکزی اصول‌گرایان به علت نزاعات درون‌گفتمانی، ثابت و واحد نبود، به طوری که گروهی از کاربست فرمول مقاومت و گروهی دیگر، مدیریت جهادی را دال مرکزی خویش انتخاب کردند که نتیجه‌ای جز تشتت و عدم شکل‌گیری گفتمان منسجم نداشت و منجر به بروز خرده‌گفتمان‌ها شد (ر.ک: باقری‌لنکرانی، ۱۳۹۲).

«غیر» این گفتمان: با بررسی تحلیل‌های نه ماهه منتهی به انتخابات، گفتمان اصول‌گرایی، «غیر» خود را جریان انحرافی تعریف کرده بود. از این‌رو رقابت انتخاباتی را درون‌گفتمانی قرار دادند که نتیجه اصلی آن پدید آمدن خرده‌گفتمان‌ها بود (شریعتمداری، ۱۳۹۲: ۲). «غیر» اصول‌گرایی همراه با طرح مشخصات عمومی خط‌سازش در سایه بحث ائتلاف حلقه انحرافی و فتنه‌گران با طلایه‌داری حلقه انحرافی به جهت دسترسی آنان به مصادر قدرت و ثروت مطرح است که با حذف گفتمان دولت، غیرهای این گفتمان به درون خانواده اصول‌گرا منتقل شد (ر.ک: محمدی، ۱۳۹۱ الف).

برآورد اصول‌گرایان از فضای سیاسی و میزان رأی خود: در تحلیل سیاسی اصول‌گرایان از فضای سیاسی و میزان رأی خود، دو قطب ائتلاف حلقه انحرافی، فتنه‌گران و اصلاح‌طلبان درون نظام و قطب اصول‌گرایان، امکان درون‌گفتمانی بودن رقابت (ر.ک: محمدی ب، ۱۳۹۲) و برآورد عدم رأی‌آوری رقیب و کشیده‌شدن انتخابات به دور دوم با وجود برخی تحلیل‌ها مبنی بر پیروزی در همان مرحله اولیه به چشم می‌خورد (ر.ک: فدایی، ۱۳۹۲). برخی تحلیل‌ها از انتخابات ریاست جمهوری نیز سه قطب اصلی دارد (ر.ک: امینی، ۱۳۹۲ت)، اما نگاه دوقطبی، نگاه غالب است (ر.ک: سایت یالثارات الحسین، ۱۳۹۲).

اسطوره‌سازی و استعاره‌سازی: شاید برخی تحرکات را بتوان در میان حامیان قالیباف با طرح مدیریت جهادی یا در میان حامیان جلیلی به عنوان سمبل مقاومت پیدا کرد که مصداق استعاره‌سازی و اسطوره‌سازی باشد، اما واقعیت این است که گفتمان اصول‌گرایی به دلیل مشغول‌بودن به جریان انحرافی و فتنه‌گران و اطمینان از موفقیت و پیروزی خود نیاز به اسطوره‌سازی و استعاره‌سازی برای جذب رأی و قابلیت دسترسی بالاتر نمی‌دید و به همین دلیل کمتر به این بخش توجه داشته‌اند.

در ارزیابی گفتمان اصول‌گرایان، برآورد موفقیت در انتخابات یازدهم، کانون فکری غالب این طیف سیاسی بوده است، زیرا نزاع درون‌گفتمانی در میان آنان به عنوان یک فرصت رقابت و نه تهدید تا آخرین روزهای نزدیک به انتخابات به شمار می‌آید.

ب) تحلیل گفتمان اصلاح‌طلبان

دال مرکزی و نحوه مفصل‌بندی آن: دال مرکزی اصلاح‌طلبان همان بحث همیشگی توسعه سیاسی است که با تبیین مفهوم جامعه مدنی سامان می‌یابد. در واقع توسعه سیاسی را به دلیل بحران پیش‌روی خود و بحران اقتصادی مردم مستقیماً مطرح نمی‌کنند و تلویحاً حل مسائل اقتصادی را بستر رشد گفتمان توسعه سیاسی در نظر دارند (ر.ک: خاتمی، ۱۳۹۱ الف). اجازه فعالیت آشکار و قانونی نیروهای جامعه مدنی، تعبیر دیگری از عناصر و مفاهیم دال مرکزی اصلاح‌طلبان به عنوان نسخه امیدبخش حل مشکلات داخلی و خارجی به هدف تغییر فضای سیاسی مطرح می‌شود (ر.ک: جلالی‌پور، ۱۳۹۱ ب). در نگاه آنان، نهادهای جامعه مدنی شامل دین، دانشگاه، قانون اساسی قابل اصلاح است و میزان رأی مردم با جامعه‌ای آزاد، پیشرو و عقلانی، ضامن پیشرفت کشور است (ر.ک: خاتمی، ۱۳۹۱ ب). معیارهای صورت‌بندی گفتمان اصلاح‌طلبان، برخی در زمینه نگرش («منتقد وضع موجود»، پذیرش «جمهوریت»، تأکید بر یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران و پذیرش اصول اندیشه مردم‌سالار با رعایت حقوق اقلیت) و برخی در زمینه روش (مخالف هرگونه روش قهرآمیز و مبتنی بر خشونت) هستند (ر.ک: علوی‌نبار، ۱۳۹۱). اصلاح‌طلبان، دوری از عناصر و دقایق جامعه مدنی و توسعه سیاسی را باعث افزایش فقر و بی‌عدالتی، عدم انضباط مالی و مدیریت عقلانی منابع، عدم تقویت تولید ملی و عدم کاهش واردات بی‌رویه کالا می‌دانند (ر.ک: بیانیه شاخه...، ۱۳۹۱).

«غیر» این گفتمان: اصلاح‌طلبان، فصل تمایز خود را با تمام گروه‌های سیاسی در پایبندی و اعتقاد به توسعه سیاسی و جامعه مدنی مورد نظر خود می‌دانند و بروز و ظهور «غیر» خود را با کاربرد واژه‌هایی نظیر اصول‌گرایان، اقتدارگرایان، محافظه‌کاران، افراطیون و تندروها مفصل‌بندی می‌کنند (ر.ک: جلالی‌پور، ۱۳۹۲ پ).

برآورد اصلاح‌طلبان از فضای سیاسی و میزان رأی خود: در نگاه اصلاح‌طلبان، فضای سیاسی به سمت حمایت از آنان پیش نمی‌رود و فرصت انتخابات در این مقطع نه با نگاه

۵۴ / پژوهش سیاست نظری، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵

مشارکت در قدرت، بلکه برای توسعه و رشد گفتمان اصلاحات و افزایش سطح آگاهی‌های جامعه و گشایش فضای سیاسی است (ر.ک: شکوری‌راد، ۱۳۹۲).

اسطوره‌سازی و استعاره‌سازی: نمادسازی اصلاح‌طلبان از نحوه مدیریت دولت اصلاحات، سمبل‌سازی از خاتمی با کاربرد اصطلاحاتی نظیر نقش فراجناحی، حلال مشکلات بین‌المللی، معتدل‌ترین اصلاح‌طلب، نامزد حداکثری، شخصیت درست‌اندیش دلسوز، زمان‌شناس، مورد اعتماد قاطبه ملت و تحقق‌بخش شعار حماسه سیاسی به عنوان اسطوره‌سازی و کاربرد اصطلاحاتی نظیر سونامی اجماع هم به عنوان استعاره‌سازی را می‌توان در نظر گرفت (ر.ک: مرعشی، ۱۳۹۲).

ج) گفتمان احمدی‌نژاد

دال مرکزی و نحوه مفصل‌بندی آن: مکتب ایرانی با عبارت دیگر خود گفتمان بهار به عنوان دال مرکزی این گفتمان که با گزاره‌ها و دقایقی نظیر ظرفیت جذب همه اقشار، حرکت چراغ‌خاموش، استقبال از حضور سلایق گوناگون با فرض مسلم انگاشتن پیروزی خود، بازتعریف دوسویۀ احمدی‌نژاد - مشایبی از مدل پوتین - مدودف و طرح بحث فراگفتمان نوین انقلاب اسلامی که همه این مفاهیم در شعار زنده‌باد بهار بازنمایی می‌شود، سعی در بسط و مفصل‌بندی گفتمان خود دارند (ر.ک: مشایبی، ۱۳۹۱ الف). این جریان مدعی بهره‌گیری از اندیشه قرآنی علامه طباطبایی و کاربست اندیشه عرفانی محی‌الدین عربی در طرح دال مرکزی خویش هستند (ر.ک: شریف‌زاده، ۱۳۹۲ الف) و آن را نقطه پایان تمامی دوانگاری‌های کاذب و نفی پولاریزاسیون و قطبی‌سازی عرصه عمومی جامعه ایران از جمله سنت و تجدد، ایران و اسلام، مذهب و دانش، تعهد و تخصص، توسعه و ارزش، آزادی و عدالت می‌دانند (ر.ک: سایت تابناک، ۱۳۹۱). فرهنگ، تاریخ و ادبیات حماسه‌آفرین ایران و مرام جهانی آن، مدیریت مشترک جهانی و انطباق آن بر فطرت الهی انسان (ر.ک: شریف‌زاده، ۱۳۹۱ ب) از دیگر گزاره‌های مفصل‌بندی این گفتمان است.

«غیر» این گفتمان: در ارزیابی غیر گفتمان احمدی‌نژاد در نگاه این طیف سیاسی باید به همه جریان‌های سیاسی داخل با مدل مدیریت انگلیسی اشاره کرد؛ زیرا حامیان این گفتمان، جریان اصلی همه تلاش‌های داخلی برای انتقاد از دولت را با سیاست‌های استعمار پیر انگلیس مرتبط می‌دانند. در واقع این گروه سیاسی با مقایسه دولت

احمدی‌نژاد با مصدق، راهاندازی تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در سال ۱۳۸۷، طرح مشروعیت‌زدایی داخلی و خارجی و همچنین طرح ناکارآمدزایی احمدی‌نژاد را مدلی انگلیسی شبیه به طرح کودتا علیه دولت مصدق با مجری‌گری شبکه «بدامن»^۱ می‌دانند (ر.ک: مشایی، ۱۳۹۱). انگاره «همه علیه مشایی» را می‌توان در شعارهای حامیان وی نظیر «چپ، راست، کارگزار، علیه اسفندیار» دید (ر.ک: داوری الف، ۱۳۹۱). به طور کلی در این نگاه، دامن‌زدن به پنداره «هر که با من نیست، بر من است»، «غیر» گفتمان احمدی‌نژاد به شمار می‌آید.

برآورد از میزان رأی خود: در فاصله ده ماه به انتخابات ریاست جمهوری، حامیان این گفتمان، فضای سیاسی را کاملاً به نفع خود ارزیابی می‌کنند و معتقدند با بسط گفتمان جدید یعنی «بهار» با محوریت اندیشه مکتب ایرانی، قدرت جذب و رأی‌گیری افراد بسیاری را دارند (ر.ک: مشایی، ۱۳۹۱). در این نگاه، ائتلاف‌های انتخاباتی، تنها گعده‌های سیاسی یا هم‌نشینی‌های سیاسی به شمار می‌آیند و دارای اصالت و تعیین‌کننده نیستند و مشایی را رییس‌جمهور ۳۵ میلیونی ایران (ر.ک: داوری، ۱۳۹۱) در صورت تأیید صلاحیت یاد می‌کنند (ر.ک: جوانفکر، ۱۳۹۲).

اسطوره‌سازی و استعاره‌سازی: در بحث اسطوره‌سازی و استعاره‌سازی این گفتمان باید به رهیافت دوسویه و متقابل از تعاریف و تمجیدهایی که احمدی‌نژاد و مشایی از یکدیگر دارند و با فعالیت رسانه‌ای حامیان این دو تقویت می‌شود سخن گفت (ر.ک: مشایی، ۱۳۹۱). مثلاً از یکسو احمدی‌نژاد به عنوان سرباز بهاری و طلای ۲۴ عیار (ر.ک: مشایی، ۱۳۹۲) و بهترین نمونه کار بسیجی و متکی به روحیه انقلابی که حاصل عملکردش با تمام تاریخ معاصر ایران برابری می‌کند، معرفی می‌شود (ر.ک: مشایی، ۱۳۹۱). از سوی دیگر مشایی هم به عنوان شخصیتی با مقیاس جهانی، تحویل‌گیرنده مشعل المپیک از دونده‌ای (احمدی‌نژاد) به دونده بعدی یعنی مشایی (ر.ک: شریف‌زاده، ۱۳۹۱)، مرد اخلاق، هنر و عشق و بهاری (ر.ک: احمدی‌نژاد، ۱۳۹۱) معرفی می‌شود.

د) گفتمان هاشمی

دال مرکزی و نحوه مفصل‌بندی آن: دال مرکزی گفتمان هاشمی با طرح استراتژی وحدت ملی آغاز و در واژه اعتدال سامان می‌یابد که با معرفی هاشمی به عنوان فراجناحی، نخ تسبیح و محور وفاق ملی و طرح ضرورت آشتی ملی مفصل‌بندی می‌شود (ر.ک: زیباکلام، ۱۳۹۲ الف)، با بیان این جمله که «انشاءالله سال ۹۲، سال اعتدال و پیروزی باشد» (ر.ک: هاشمی، ۱۳۹۱ الف). طرح اعتدال علوی (ر.ک: رجایی، ۱۳۹۲ الف)، گونه دیگری از مفصل‌بندی دال مرکزی اعتدال است که با رد صلاحیت هاشمی به حسن روحانی منتقل می‌شود (ر.ک: روحانی، ۱۳۹۲). تشکیل دولت وحدت ملی همراه با پیروی از اقدامات دولت پس از جنگ و بنیان‌های اقتصادی ایجاد شده پس از آن (ر.ک: هاشمی، ۱۳۹۱ ب)، ادغام نیروها برای استفاده از خرد جمعی، تدبیر، عقلانیت، تشخیص برای حل مشکلات داخلی و در عرصه سیاست خارجی هم هوشمندی و جلوگیری از تنش و در پیش گرفتن تصمیمات مدبرانه و منطقی، دو اقدام همدلی داخلی و هم‌زیستی جهانی و لازم و ملزوم بودن وحدت ملی و منافع ملی از دیگر دقایق و گزاره‌های دال مرکزی اعتدال است (همان).

«غیر» این گفتمان: این جریان غیر و دگر خود را با واژه‌هایی نظیر «افراطیون یا تندروها»، مدعیان مدیریت جهان (ر.ک: رجایی، ۱۳۹۱ الف)، مخالفان تشکیل دولت وحدت ملی، حلقه/ جریان انحرافی و خوارج زمان تبیین می‌کنند (ر.ک: رجایی، ۱۳۹۱ ب) و واژه‌های دیگری نظیر مارکسیست‌ها، سلطنت‌طلب‌ها و منافقین را همه باید به جمع این نوع غیریت‌سازی افزود (ر.ک: هاشمی، ۱۳۹۲ الف).

برآورد از فضای سیاسی و میزان رأی: موضوع نامزدی هاشمی تا پایان سال ۹۱ مطرح نیست. هاشمی هم سخن از کمک در انتخابات در حد توان به زبان می‌آورد (ر.ک: هاشمی، ۱۳۹۱ پ) و هنوز قصد خود مبنی بر حضور در انتخابات را علنی نکرده (ر.ک: هاشمی، ۱۳۹۱ ت) و تنها روی فضاسازی رسانه‌ای جهت حضور وی کار می‌شود (ر.ک: هاشمی، ۱۳۹۲ ب). بالاخره هاشمی در لحظات آخر با انگاره «کاندیدای سی میلیونی بدون تبلیغات و زدن ستاد» به میدان می‌آید (ر.ک: رجایی، ۱۳۹۲ ب) و با رد صلاحیت وی این برآورد

همچنان وجود دارد (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۹۲) و می‌توان این جمله را که «اگر هاشمی بود، مردم رکورد انتخابات را می‌شکستند»، نشان دیگری از آن دانست (ر.ک: انصاری، ۱۳۹۲).

اسطوره‌سازی و استعاره‌سازی: در فرایند اسطوره‌سازی و استعاره‌سازی غالباً به سابقه هاشمی در پیش و پس از انقلاب، جنگ تحمیلی و به‌ویژه در دوران سازندگی از سوی وی و حامیان‌ش استناد می‌شود. گاهی وی را شناسنامه انقلاب و گاهی عمود خیمه انقلاب لقب می‌دهند. در واقع اسطوره و استعاره اصلی در گفتمان سازندگی - اصلاحات مبتنی بر منجی‌سازی از هاشمی است، به طوری که حامیان هاشمی در پی ساختن مردی برای عبور از بحران از وی هستند (ر.ک: زیباکلام، ۱۳۹۲، ب).

نتیجه‌گیری

از آنجا که تحلیل‌های موجود از انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری نامکفی و تک‌عاملی است و سایر مؤلفه‌های دخیل را نادیده گرفته‌اند، پژوهش حاضر مدلی سه‌لایه‌ای بر پایه روش‌شناسی تحلیل لایه‌لایه علل برای رفع این خلأ فراهم آورد. در این مدل به ترتیب در سطح لایه گفتمانی، گفتمان اصول‌گرا با وجود تلاش برای تغییر وضع موجود عملاً تداوم‌گر وضع موجود بازنمایی شد و نتوانست خود را بازتولید کند. گفتمان اصلاح‌طلبی در هم‌روی با گفتمان هاشمی، گفتمان سازندگی - اصلاحات یا اعتدال را به وجود آوردند. پیروزی نامزد مورد حمایت اصلاح‌طلبان در نگاه اول به منزله اقبال عمومی از گفتمان اصلاحات تفسیر شد، اما نتایج شوراها در شهرهای بزرگ، خلاف آن را ثابت می‌کند. در واقع وحدت و ائتلاف جناح‌های سیاسی همسو، تعیین‌کننده نتیجه انتخابات بوده است. مثلاً اصول‌گرایان با ائتلاف در انتخابات شوراها اقبال عمومی را متوجه خویش کردند، اما در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم به دلیل عدم ائتلاف، شکست را به خانه خویش بردند. با وجود این در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم، جریان اصول‌گرا دچار اشتباهات راهبردی شد. با بررسی‌های انجام‌شده، عوامل شکست اصول‌گرایان را می‌توان در مؤلفه‌هایی مانند ضعف در تشخیص «غیر»، برآورد ضعیف از فضای سیاسی و حضور نامزدهای متعدد جست. از سوی دیگر اصلاح‌طلبان، مشکلات اقتصادی و معیشتی را نتیجه عدم پایداری به شعارهای جامعه مدنی ارزیابی و فرایند

اقتناع‌سازی و مشروعیت‌بخشی به گفتمان توسعه سیاسی را دنبال می‌کردند. در واقع انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم برای آنان روزه‌ای برای رشد گفتمان اصلاحات و پایه‌ای برای رسیدن به قدرت بود. گفتمان اصلاحات با برآوردهایی که از فضایی سیاسی داشتند و امکان موفقیت خود را بدون ائتلاف با گفتمان هاشمی غیر ممکن می‌دیدند، چند روز مانده به انتخابات، با وادار کردن تنها نامزد خود به کناره‌گیری، فضا را برای ایجاد موج روانی مهیا کردند و با ائتلاف با حسن روحانی، زمینه‌های احیای گفتمان خود را پی گرفتند.

در سطح لایه میانی، فضای جامعه مستعد تغییر و پذیرش منادی آن بود. آمار و ارقام موجود نشان از آن داشت که محرومیت نسبی ناشی از امور اقتصادی، مهم‌ترین مؤلفه سوق‌دهنده رأی مردم ایران به سمت اصلی‌ترین گرایش تغییر وضع موجود بود. اکثر ارزیابی‌ها و نظرسنجی‌های مراکز معتبر داخلی پیش از انتخابات حکایت از آن داشت که اقتصاد، اولویت اصلی مردم برای رأی‌دهی و شرکت در انتخابات یازدهم است. مؤلفه‌هایی نظیر تغییر نظام ارزشی و فرهنگی به همراه گسترش سطوح مختلف آموزشی در جامعه و گسترش فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های داخلی و خارجی در سطوح مختلف آموزشی، از بین رفتن هماهنگی میان درآمدها و هزینه‌ها در سطح جامعه و نیز سبقت‌گرفتن تورم از افزایش دستمزد سالیانه و وارد آمدن فشارها و آسیب‌های زیاد به طبقه متوسط و پایین جامعه، ارائه تصویر یکپارچه رسانه‌های عمومی داخل و خارج کشور از وضعیت اقتصادی کشور و بروز پدیده‌هایی همچون فساد سه هزار میلیاردی، امکان ادراک نابرابری در جامعه را افزایش داده بود و بدین ترتیب به مراتب و سطوح متفاوت، زمینه و بستر شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی در میان زیادی از جامعه ایرانی شدند.

در بیرونی‌ترین لایه، سیاست‌ورزی حرفه‌ای روحانی و نابلدی سیاسی رقبای وی، استفاده مناسب از مناظره‌ها، استفاده از ظرفیت‌های ستادی و عملیات روانی اصلاح‌طلبان، ائتلاف مناسب اصلاح‌طلبان با وی و عدم ائتلاف اصول‌گرایان با خود و خودیابی غیرگفتمانی‌ها در شعارهای روحانی، عمده دلایل موفقیت وی است.

پی‌نوشت

۱. برای تأیید این ادعا، برخی از نظرسنجی‌ها و گزارش‌های منتشره به ترتیب سال در ذیل آمده است: نظرسنجی‌های سال ۱۳۶۵، ۱۳۷۱ (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۸۳)، دو نظرسنجی با عنوان «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ (اباذری، ۱۳۸۴)، نظرسنجی سال ۱۳۸۲ (رواسانی، ۱۳۸۶: ۱۷)، نظرسنجی‌های آمده در کتاب «رضایت اجتماعی در ایران» (محسنی و صالحی، ۱۳۸۲: ۶۰)، گزارش تیرماه ۱۳۹۰ مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره وضعیت نابرابری در میانه سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ (ر.ک: گزارش راهبردی، ۱۳۹۰).



منابع

- اباذری، یوسف‌علی (۱۳۸۴) رضایت از زندگی و ارزیابی اجتماعی، تهران، طرح‌های ملی.
- احمدی‌نژاد، محمود (۱۳۹۱) احمدی‌نژاد در یک کلمه مشایی را معرفی کرد، بازیابی از سایت www.fararu.com، ۲۰ اسفند.
- افروغ، عمادالدین (۱۳۹۲ الف) اصول‌گرایی شکست نخورد، اصول‌گراها شکست خوردند، بازیابی از سایت www.fardanews.com، ۴ تیر.
- (۱۳۹۲ ب) اشتباه اول ائتلاف سه‌گانه / قالیباف باید منتقدانه به مناظره وارد می‌شد، بازیابی از سایت www.fardanews.com، ۲۸ مرداد.
- الله‌کرم، حسین (۱۳۹۲) پیروزی اصولگرایان فقط با انصراف جلیلی به نفع جلیلی امکان‌پذیر بود، بازیابی از سایت www.khabaronline.ir، ۳۱ خرداد.
- امینی، پرویز (۱۳۹۲ الف) میزگرد تحلیلی انتخابات ۹۲، بازیابی از خبرگزاری www.tasnimnews.com، ۱۲ مرداد.
- (۱۳۹۲ ب) انتخابات ۹۲ پیروز گفتمانی نداشت، بازیابی از خبرگزاری www.mehrnews.com، ۱۶ مرداد.
- (۱۳۹۲ پ) روحانی با کلید سیاست‌ورزی، قفل‌های انتخابات را باز کرد، بازیابی از سایت www.borhan.ir، ۱۰ تیر.
- (۱۳۹۲ ت) جدیدترین آرایش اجتماعی - سیاسی - گفتمانی انتخابات یازدهم، خبرگزاری www.farsnews.com، ۲۳ اردیبهشت.
- انصاری، مجید (۱۳۹۲) هاشمی بود مردم رکورد انتخابات را می‌شکستند، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی www.hashemirafsanjani.ir، ۲۳ خرداد.
- اودی، برایان (۱۳۸۸) راهنمای کاربردی پیروزی در انتخابات، ترجمه محمد صادق‌الحسینی، تهران، نگاه معاصر.
- باقری لنگرانی، کامران (۱۳۹۲) جذب آرا به هر قیمتی مجاز نیست؛ باقری لنگرانی خطوط قرمز دولتش را ترسیم کرد، بازیابی از www.farsnews.com، ۱۶ اردیبهشت.
- بیانیه شاخه خارج از کشور سازمان مجاهدین و شورای هماهنگی راه سبز امید به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی (۱۳۹۱) بازیابی از سایت www.rahesabz.net، ۲۰ اسفند.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۲ الف) ایضاح یک کنش جمعی، روزنامه اعتماد، ۲ تیر.
- (۱۳۹۲ ب) ۲۴ خرداد دوم خرداد دوم نیست، بازیابی از سایت www.fararu.com، ۵ مرداد.
- تنها انتظار از جبهه گفتمان انقلاب اسلامی، وحدت حول یک نامزد است (۱۳۹۲) بازیابی از سایت www.yalasarat.com، ۳ تیر.

مدل چند لایه تحلیل انتخابات یازدهم ریاست جمهوری / ۶۱

جلایی پور، حمیدرضا (۱۳۹۱) جامعه در تونل تاریک، بازیابی از سایت www.kaleme.com. ۱۰ خرداد.

----- (الف ۱۳۹۲) پرونده انتخابات ریاست جمهوری ۹۲/ رفتارشناسی انتخاباتی ایرانیان، بازیابی از سایت www.isa.org.ir. ۴ اردیبهشت.

----- (ب ۱۳۹۲) اصلاح طلبان شاید در انتخابات شرکت کنند، بازیابی از سایت www.rahesabz.net. ۳ آبان.

جوانفکر، علی اکبر (۱۳۹۲) با صبوری منتظر ورود چهره اصلی به صحنه انتخابات هستیم، بازیابی از سایت www.shafaf.ir. ۴ خرداد.

حجاریان، سعید (۱۳۹۰) تحلیل سعید حجاریان از انتخابات هفتم ریاست جمهوری، بازیابی از سایت www.parsine.com. ۲۶ خرداد.

خاتمی، محمد (۱۳۹۱) پیام خاتمی برای روز دانشجو، بازیابی از سایت www.rahesabz.net. ۲۱ آذر.

----- (۱۳۹۲) رهبری نظام از امام تا رهبر کنونی نیز باید نقد شوند، چون انسانی هستند مانند دیگران، دیدار با اعضای سازمان جوانان مجمع نیروهای خط امام، بازیابی از سایت www.rahesabz.net. ۱۱ خرداد.

خانیکی، هادی (۱۳۹۲) پرونده انتخابات ریاست جمهوری ۹۲/ رفتارشناسی انتخاباتی ایرانیان، بازیابی از سایت www.isa.org.ir. ۱۵ تیر.

داوری، عبدالرضا (الف ۱۳۹۲) تکرار واژه انتخابات آزاد، نتیجه کنفرانس پراگ بود، بازیابی از خبرگزاری www.farsnews.com. ۱۱ فروردین.

----- (ب ۱۳۹۲) حداد عادل به گفتمان احمدی نژاد نزدیک تر است، بازیابی از سایت www.asriran.com. ۱۱ اردیبهشت.

دایره بررسی بودجه خانوار (۱۳۹۱) اداره آمار اقتصادی، مدیریت کل آمارهای اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران، آذرماه. رابرت گر، تد (۱۳۷۸) چرا انسان ها شورش می کنند، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ربیعی، علی (۱۳۹۲) پرونده انتخابات ریاست جمهوری ۹۲/ رفتارشناسی انتخاباتی ایرانیان، بازیابی از سایت www.isa.org.ir. ۴ اردیبهشت.

رجایی، غلامعلی (الف ۱۳۹۱) دامنه عمل تندروها به هاشمی محدود نخواهد شد، بازیابی از www.gholamalirajae.blogfa.com. ۱۰ آذر.

----- (ب ۱۳۹۱) فرماندهی قرارگاه تخریب هاشمی، بازیابی از www.gholamalirajae.blogfa.com. ۵ اسفند.

- ۶۲ / پژوهش سیاست نظری، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵
- (الف) (۱۳۹۲) خبرهای خوشی در راه است، بازیابی از www.gholamalirajae.blogfa.com، ۳۱ اردیبهشت.
- (ب) (۱۳۹۲) تاملات انتخاباتی . بازیابی از www.gholamalirajae.blogfa.com، ۳ فروردین.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷) توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۶) زمینه‌های اجتماعی هویت ملی، تهران، باز.
- روحانی، حسن (۱۳۹۲) کاری کردند که آیت‌الله هاشمی رقابت نکند، بازیابی از سایت www.entekhab.ir، ۳ اسفند.
- زیباکلام، صادق (۱۳۹۱) خاتمی و نوری هم کاری از پیش نمی‌برند، بازیابی از سایت www.fararu.com، ۱۱ مرداد .
- (الف) (۱۳۹۲) حسن روحانی دو میلیون رای دارد، بازیابی از سایت www.asriran.com، ۲۴ فروردین.
- (ب) (۱۳۹۲) روحانی از لحاظ مدیریتی از عارف بالاتر است، بازیابی از سایت www.aftabnews.ir، ۷ خرداد ۱۳۹۲.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۲) هفته‌نامه آسمان، شماره ۵۰، ۲۲ تیر.
- سلیمی، حسین و نعمت‌الله فاضلی (۱۳۹۲) میزگرد جامعه‌شناسی انتخابات یازدهم، ویژه نگاه دوم، روزنامه اعتماد، ۱۰ تیر، ص ۸.
- سیف‌زاده، حسین و حسن گلپایگانی (۱۳۸۸) محرومیت نسبی و چرخش رأی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، فصلنامه سیاست، شماره ۳، پاییز، صص ۲۴۷-۲۶۶.
- شریعتمداری، حسین (۱۳۹۲) شکایت آیت‌الله، روزنامه کیهان، ۳۱ اردیبهشت، ص ۲.
- شریف‌زاده، بهمن (۱۳۹۲) چرا به مشایی اتهام اومانیسیم می‌زنند؟ تفاوت تعریف انسان در اومانیسیم و عرفان اسلامی، بازیابی از خبرگزاری www.isna.ir، ۲۶ فروردین.
- (ب) (۱۳۹۱) رمزگشایی از حکم احمدی‌نژاد برای مشایی، بازیابی از سایت www.mashreghnews.com، ۱۳ آذر.
- شعبانی، ناصر (۱۳۹۱) دعا کنیم احمدی‌نژاد به کشتی انقلاب برگردد، روزنامه قانون، ۲۵ دی.
- شکوری‌راد، علی (۱۳۹۲) اصلاح‌طلبان با انتخابات قهر نمی‌کنند، بازیابی از سایت www.rahesabz.net، ۳ تیر.
- عارف، محمدرضا (۱۳۹۲) روحانی اصلاح‌طلب نیست، بازیابی از خبرگزاری www.farsnews.com، ۱۵ اردیبهشت.
- عبدالهی، محمد (۱۳۹۲) واکاوی گفتمان‌های حاضر در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، بازیابی از

سایت www.borhan.ir، ۲۸ آذر.

عبدی، عباس (۱۳۹۲ الف) میزگرد تحلیلی انتخابات، بازیابی از خبرگزاری www.tasnimnews.com، ۱۵ تیر.

----- (۱۳۹۲ ب) بزرگ‌تر از دوم خرداد، ماهنامه مهرنامه، شماره ۲۹، تیر، صص ۹۸-۱۰۴.
----- (۱۳۹۲ پ) کدام کاندیدا شانس پیروزی در مرحله اول را دارد؟، بازیابی از سایت www.asriran.com، ۱۸ خرداد.

----- (۱۳۹۲ ت) پیش‌بینی عبدی از ائتلاف اصلاح‌طلبان، بازیابی از سایت www.alef.ir، ۱۸ خرداد.

علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۹۱) ناکامی سیاسی و کامیابی اخلاقی اصلاح‌طلبان، روزنامه شرق، ۲۶ دی، ص ۷.

غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۹۲) مردم عقب‌عقب پای صندوق رأی رفتند، روزنامه شرق، ۲۳ مهر، ص ۱۴.

فدایی، حسین (۱۳۹۲) ملت ایران از خط سازش و خط تنش عبور خواهند کرد/ اصول‌گرایان مدبرانه پیروز انتخابات خواهند بود، بازیابی از سایت www.yjc.ir، ۲۲ اردیبهشت.
فلاح‌پیشه، حشمت‌الله (۱۳۹۲) انشقاق در جامعه مدرسین، تاوان شکست انتخاباتی اصول‌گرایان، بازیابی از سایت www.fararu.com، ۱۱ تیر.

قادری، حاتم (۱۳۹۲) تفاوت خرداد ۹۲ و ۷۶، روزنامه شرق، ۳۰ تیر، ص ۸.
قوچانی، محمد (۱۳۹۲) دوم خردادی دوم، ماهنامه مهرنامه، شماره ۲۹، تیر، صص ۹۰-۹۳.
کاظمی، حجت (۱۳۹۲) وجه رخدادی انتخابات و چالش نهادینگی سیاست در ایران، همشهری ماه، مرداد ماه ۱۳۹۲، شماره ۱۱۰.

گزارش ملی آموزش عالی ایران (۱۳۹۴) پایگاه اطلاع‌رسانی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

گزارش نظارتی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری (۱۳۹۱) خبرگزاری www.mehrnews.com، ۳ آبان.

گلزاری، محمد (۱۳۹۲/۴/۱) اما و اگرهای کمپین قالیباف، روزنامه شرق، ۱ تیر ص ۹.
محبیان، امیر (۱۳۹۲ الف) اصول‌گرایان مرتب در حال غافلگیری در برابر تغییرات اجتماعی هستند، بازیابی از سایت www.khabaronline.ir، ۱۱ تیر.

----- (۱۳۹۲ ب) سخنرانی امیر محبیان در جلسه ماهانه جامعه اسلامی مهندسين، بازیابی از سایت www.entekhab.ir، ۲ تیر.

محسنی، منوچهر و پرویز صالحی (۱۳۸۲) رضایت اجتماعی در ایران، تهران، آرون.
محسنی، ابراهیم (۱۳۹۲) برخی نظرسنجی‌ها را قبول نداشتند، همشهری ماه، مرداد، شماره ۱۱۰.

- ۶۴ / پژوهش سیاست نظری، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵
- محمدی، مهدی (۱۳۹۱) اهداف و برنامه‌های خط‌سازش برای انتخابات، بازیابی از سایت www.borhan.ir، ۱۷ آبان.
- (۱۳۹۲) آقای هاشمی‌کاندیدا شوید!، بازیابی از سایت www.teribon.ir، ۲۹ فروردین.
- مرعشی، حسین (۱۳۹۲) فرصتی برای تعارفات نیست، باید زودتر به تصمیم رسید، بازیابی از سایت www.rahesabz.net، ۳ اردیبهشت.
- مردی، سیدمحمد و دیگران (۱۳۹۱) مردم و انتخابات دهم، تهران، دانشگاه تهران.
- مشایی، اسفندیار (۱۳۹۲ الف) من کسی نیستم، چرا به عشق من آمدید؟، بازیابی از سایت www.fararu.com، ۲ فروردین.
- (۱۳۹۱ ب) هیچ‌کس نمی‌تواند جلوی من را بگیرد، بازیابی از سایت www.fararu.com، ۲۵ آبان.
- (۱۳۹۱ پ) سال آینده سال شکوفایی بزرگ است، بازیابی از سایت www.fararu.com، ۹ آبان.
- (۱۳۹۲) روایت مشایی از «احمدی‌نژادی بودن»، بازیابی از سایت www.fararu.com، ۱ اردیبهشت.
- مشایی و درد زایمان فراگفتمان نوین ایران (۱۳۹۱) بازیابی از سایت www.tabnak.ir، ۵ اسفند.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱) درآمدی بر جنبش‌های اجتماعی، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- مصطفوی، زهرا (۱۳۹۲) نامه دختر امام به رهبری در مورد رد صلاحیت هاشمی، بازیابی از سایت چگاسه، ۱ خرداد.
- هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۹۱ الف) وضع امروز بی‌شبهت به سال ۶۹ نیست؛ ان‌شالله سال ۹۲ سال پیروزی اعتدال باشد، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی www.hashemirafsanjani.ir، ۲۸ اسفند.
- (۱۳۹۱ ب) باید به وفاق دوران دفاع مقدس بازگردیم؛ دولت وحدت ملی علاج ناکارآمدی‌های فعلی، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی www.hashemirafsanjani.ir، ۵ مهر.
- (۱۳۹۱ پ) در حد توان در انتخابات کمک خواهیم کرد؛ خام‌شدگان روی پذیرش اشتباه ندارند، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی www.hashemirafsanjani.ir، ۲۳ اسفند.
- (۱۳۹۱ ت) انتخابات نباید از حالت رقابتی خارج شود؛ انتخابات در انحصار هیچ گروهی نیست، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی www.hashemirafsanjani.ir، ۲۶ اسفند.

----- (۱۳۹۲ الف) هر کس بد ما به خلق گوید، ما چهره او نمی‌خراشیم/ تحمل
ناملايمات را از امام آموخته‌ام، بازیابی از پایگاه اطلاع رسانی www.hashemirafsanjani.ir، ۳
اردیبهشت.

----- (۱۳۹۲ ب) هدفی جز تقویت نظام ندارم، بازیابی پایگاه اطلاع
رسانی www.hashemirafsanjani.ir، ۱۷ اردیبهشت.
هدایخواه، ستار (۱۳۹۲) حضور جلیلی تغییری در موضع جبهه پایداری ایجاد نمی‌کند، بازیابی از
خبرگزاری www.mehrnews.com، ۲۴ اردیبهشت.

- Ansari, Ali (2013) Iran After Ahmadinejad .chathamhouse 18, Jun.
- Inayatullah, S. (1998) Causal Layered Analysis, Poststructuralism as Method. Available in Elsevier Science Ltd, .۸۱۵
- Maloney, Suzanne (2013a) Iran Surprises Itself & The World; .brookings, September ۱۱.
- Maloney, Suzanne (2013b) Why Rouhani Won - And Why Khamenei Let Him, .brookings, June 16, 2013.
- Mohseni, Ebrahim, Iranian Public Opinion Polling and Rouhani's Electoral Victory, .brookings .August 8, 2013.
- Nader, Alireza (2013) Rouhani's Election Regime Retrenchment in the Face of Pressure .rand institute .June ۱۸.
- Sadjadpour, Karim (2013) Iran's Presidential Election .An Autocracy Votes, .carnegieendowment .June 12.
- Slaughter, R. A. (2006) The role of Critique in Futures Work. Retrieved from http://foresightinternational.com.au/catalogue/resources/critique_in_futures_studies.pdf.
- Voros, J. (2006) Nesting Social-Analytical Perspectives .An Approach to Macro-Social Analysis. Journal of Futures Studies, ۱۱, ۳.